

## Abstract

The goal of this study is to analyze the introduction and expansion of factors of political modernity in the Qajari government era. Cultural exchange with the west led to a flourishing in the field of political modernity. Intellectuals knowing about such concepts were the first to indirectly mention these concepts. Intellectuals played the greatest role in this transition and in spreading political modernity factors in Iran. These included the necessity of having a parliament and bureaucracy, constitution, centralized government, civil society, legitimacy and Separation of religion from government. In the time of constitutional era, much effort was made to meet these demands and for the very first time such demands were asked for in the traditional system of tyranny in Iran. Due to political modernity, the design of these discussions and the development of these developments began during the Qajar government, especially Nasser al-Din Shah, but to put these demands into practice was time consuming and needed time to pass.

Key words: Qajar Government, Constitutional Revolution, Political Modernity, Tyranny

**طرح و گسترش مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی: در حکومت ناصرالدین شاه قاجار**مسعود غفاری<sup>۱</sup>علی ناصری<sup>۲</sup>**چکیده**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۴

هدف از این پژوهش، تحلیل چگونگی طرح و گسترش مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی در دوران حکومت قاجاریه است. مواجهه فرهنگ ایرانی و مدرن در دوره قاجار به رشد و رونق مباحث مدرنیته سیاسی منجر شد. روشنفکرانی آشنا به این مباحث، در ابتدا به صورت تلویحی چنین مباحثی را مطرح کردند. روشنفکران بیشترین بار این تحول‌خواهی را بر دوش می‌کشیدند و نقش فراوانی در گسترش مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی در ایران داشتند. این مباحث شامل لزوم ایجاد مجلس و بوروکراسی، قانون اساسی، حکومت متمرکز، جامعه مدنی، ارتش قدرتمند، مشروعیت و جدایی دین از حکومت می‌شد. در دوران مشروطه تلاش‌های بسیاری برای دستیابی به این خواسته‌ها صورت گرفت و برای اولین بار در نظام مبتنی بر استبداد سنتی ایران چنین مطالباتی مطرح شد. با توجه به مدرنیته سیاسی طرح این مباحث و گسترش این تحولات در دوران حکومت قاجارها به خصوص ناصرالدین شاه آغاز شده ولی عملی شدن و تثبیت این مطالبات زمان‌بر و اکثراً نیاز به گذر تاریخ داشت.

واژگان کلیدی؛ حکومت قاجاریه، انقلاب مشروطه، مدرنیته سیاسی، نظام استبدادی.

<sup>۱</sup>دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس ghaffari@modares.ac.ir<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس. Alinaaseri1371@gmail.com

مدرنیته محوری‌ترین بحث در تاریخ اجتماعی ایران است که از دو سده اخیر به درجات گوناگون، کمابیش بر همه جنبه‌های جامعه ایران سایه انداخته است. بسیاری از کشاکش‌ها در حوزه‌های مختلف، هم عملی و هم نظری در جهت کسب یا حتی عدم کسب تجربه‌های مدرنیته بوده است. مدرنیته دنیای سیاسی متفاوت و جدیدی است که تنها در مباحث فلسفی خلاصه نمی‌شود بلکه، در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با ایجاد تحولات خاص خود، از سامان سنتی متمایز می‌شود و برخلاف سنت با شتاب و پویایی همواره به نوسازی خود می‌پردازد. در مدرنیته سیاسی مبانی قدرت زمینی شده و این اراده انسان است که با مشارکت مدنی و قرارداد اجتماعی آن را تشکیل می‌دهد و به دنبال اهداف و تمنیاتی چون رضایت و امنیت، آزادی، حقوق شهروندی می‌باشد. در مدرنیته سیاسی مفاهیمی چون جامعه مدنی، حوزه قدرت دین و دولت و تعامل آن‌ها باهم حوزه عمومی و خصوصی اعتبار ویژه‌ای می‌یابند. دولت مدرن برآمده از مدرنیته سیاسی در غرب است. دولت‌های مدرن که ابتدا در اروپا ایجاد شدند، به تدریج به سایر نقاط جهان تسری یافتند و بسیاری از مناطق جهان در صدد الگوبرداری از دولت مدرن برآمدند. سؤال اصلی که ایجاد می‌شود این است که مدرنیته سیاسی در ایران در چه دوره‌ای از حکومت قاجاریه مطرح شد و گسترش یافت؟ آنچه به عنوان فرضیه اصلی مطرح می‌شود. فکر و اندیشه مدرنیته سیاسی در دوران ناصرالدین‌شاه به تدریج مطرح شد و در دوران مشروطه بعد عملی به خود گرفت. برای نشان دادن تحولات ایران مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی و تغییراتی که در صحنه سیاسی ایران ایجاد کرده‌اند مورد بررسی می‌گیرند.

## ۲. پیشینه پژوهش:

با توجه به اهمیت موضوع مدرنیته در ایران، پژوهش‌های در این زمینه نیز انجام شده است. کتاب «ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران» فریدون آدمیت (۱۳۵۷)، در این کتاب او مهم‌ترین عناصر ایدئولوژی مشروطیت و عقلانیت اجتماعی آن را در دمکراسی سیاسی می‌دید تأکید او بیشتر بر نیمه دوم سلطنت قاجار است. کتاب «تأملی در مدرنیته ایرانی» اثر علی میر سپاسی (۱۳۸۵) است. این کتاب به دنبال جدل‌های فکری روشنفکران ایران در باب مدرنیزاسیون است که هدف اصلی آن تحلیل مباحث روشنفکران در دوره انقلاب اسلامی است. بروجردی (۱۳۸۷) نیز در کتاب «روشنفکران ایرانی و غرب» به بررسی اندیشه‌های بومی‌گرایی پنج دهه اخیر روشنفکری می‌پردازد.

کتاب «تجدد و تجدید ستیزی در ایران» اثر دکتر عباس میلانی (۱۳۸۷) می‌باشد. او در کتاب خود به برخورد ایرانیان با تمدن غرب می‌پردازد. البته او این برخورد را از دید ادبی نگاه می‌کند. اثر دیگر «مشروطه ایرانی» ماشاءالله آجودانی (۱۳۸۷) او بیشتر به تفاوت مشروطه به معنی غربی آن و آنچه در ایران روی دارد می‌پردازد. کتاب «رویاریوی فکری ایرانیان با مدرنیته» است که به دیدگاه‌های فرهنگی مدرنیته در ایران بر اساس چارچوب جامعه‌شناسی انتقادی نگاه می‌کند این کتاب اثری از فرزین وحدت (۱۳۹۳) می‌باشد.

همچنین می‌توان از رساله دکتری «The Iranian Press and Modernization under the Qajars» نام برد که پژوهشی از حسن بشیر (۲۰۰۰) است. هدف اصلی این رساله بررسی و ارزیابی نقش مطبوعات در روند نوسازی ایران در دوره قاجار و در قرن نوزدهم است که به پیروزی انقلاب مشروطه ایران در اوایل قرن بیستم کمک کرد.

توجه اصلی این آثار به وضعیت مدرنیته بدون تفکیک و تفاوت برای مفاهیم مدرنیسم، مدرنیزاسیون و مدرنیته سیاسی؛ به صورت کلی در ایران معاصر بوده است حال آنکه مدرنیته به مدرنیسم به عنوان بُعد فرهنگی و هنری مدرنیته و مدرنیزاسیون برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی مانند توسعه صنعتی و توسعه شهرنشینی و مدرنیته سیاسی به عنوان تشکیل دولت مدرن تقسیم می‌شود. در این آثار در مورد شناخت مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی، کیفیت ظهور و تأثیرات و تحولات ناشی از آن تحلیلی دقیق ارائه نمی‌دهند و به طرح کلیات مدرنیته سیاسی در دره مشروطه بسنده می‌کنند. نوآوری این مقاله در این است که مدرنیته با توجه به تغییر و تحولاتی که در غرب داشته است آثار آن بر شرق نیز نمود پیدا کرده، در این بین روشنفکران سرزمین‌های شرقی برای برون‌رفت از مشکلات داخلی به دنبال راه‌ها و دستاوردهای غرب بوده‌اند. در ابتدای آشنایی ایرانیان با مدرنیته، اکثر توجهات به مدرنیته سیاسی و دولت مدرن بود و آن‌ها سعی بر اخذ تمام و کمال آن داشتند. در این اثر به صورت مجزا به شناخت مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی و بحث ریشه‌ای مدرنیته سیاسی در ایران پرداخته شده است.

### ۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش چهار ویژگی؛ سرزمینی بودن، کنترل ابزار قهر، ساختار غیرشخصی قدرت و مشروعیت در نظریه مدرنیته سیاسی دیود هلد است؛ که برای توضیح ابعاد کامل هر کدام از این مؤلفه‌ها از دیگر منابع مهم در زمینه مدرنیته سیاسی کمک گرفته شده است.

### ۴. روش تحقیق:

از آنجاکه پیدایش ساخت دولت مدرن به عنوان یکی از مباحث جامعه‌شناسی سیاسی، در همه‌جا محصول حل منازعه میان شهriاران قدرت‌های محلی، گسترش روابط اقتصاد بازاری و پایان یافتن نزاع میان دولت و مذهب به سود شهriاران بود. در این پژوهش از روش جامعه‌شناسی سیاسی برای توضیح دولت مدرن در ایران بهره خواهیم برد چراکه، جامعه و نیروهای اجتماعی به عنوان بستر و زمینه عمل دولت، ماهیت آن را تعیین می‌کنند.

### ۵. مدرنیته سیاسی

در تاریخ غرب بعد از یک دوره نسبتاً ایستا در جامعه تغییر و تحولاتی روی داد که همه عرصه‌های زندگی بشری اعم از سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ را متحول ساخته و در این عرصه‌ها شاهد نوآوری‌های بوده‌ایم، این تحول را مدرنیته می‌نامند (احمدی، ۱۳۸۷: ۳). چهار انقلاب: علمی، سیاسی، فرهنگی و فنی — صنعتی به گذار از سنت به مدرنیته منتهی شدند. به‌طور کلی گسست در انقلاب سیاسی با پیدایش دولت مدرن، نخست در انگلستان و آمریکا و سپس در فرانسه مشخص شد (باربیه، ۱۳۹۲: ۳۹۶)؛ اما نظام‌های سیاسی سنتی در ابعاد و اندازه‌های مختلفی همچون: دمکراسی‌های دهکده‌ای، دولت‌شهرها، پادشاهی‌های قبیله‌ای و... کمابیش به حیات خود ادامه می‌دهند (هانتینگتن، ۱۳۸۶: ۲۱۶ - ۲۱۷).

دولت مطلقه مقدمه‌ای برای دستیابی به مدرنیته سیاسی در اروپا بود. پادشاه مطلقه را که در رأس نظام جدیدی از فرمانروایی بود با تجمیع قدرت سیاسی دعوی قدرت برتر و تقسیم‌ناپذیر داشت (هلد، ۱۳۹۴: ۱۲۹). با گسترش نظام‌های مطلقه در بسیاری از کشورهای اروپایی متعاقب تغییر ساختار نظامی، سیستم‌های دولتی مستقیم جایگزین نوع غیردولتی آن گردید. زمامداران کشور اینک به جای تکیه بر قدرت‌مداران خودمختار به ایجاد نوعی از دستگاه

دولتی همت گماردند که در ساحت تک‌تک جوامع، ولایات و حتی منازل مردم و از طریق تعبیه ابزارهای نظیر سیستم مالیاتی، نظام‌وظیفه، ثبت‌احوال، آموزش عمومی و دیگر اشکال اعمال کنترل، نفوذ و رخنه می‌کردند (تیلی، ۱۳۹۳: ۶۹)؛ بنابراین دولت‌های مطلقه راه را برای ایجاد مدرنیته سیاسی هموار کردند؛ مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی از نظر دیوید هلد شامل موارد زیر هستند که هرکدام به صورت مجزا تشریح می‌شود.

#### ۱-۵. سرزمینی بودن

اگرچه همه‌ی دولت‌ها مدعی حاکمیت بر سرزمینی هستند، اما تنها با نظام دولت‌های مدرن است که مرزهای دقیق تثبیت می‌شوند (هلد، ۱۳۹۴: ۱۳۴). نظریه‌پردازان سیاسی با حساسیت فراوانی که نسبت به قدرت دارند، روی دولت تکیه می‌کنند، زیرا می‌دانند که دولت تبلور قدرت است (چاندوک، ۱۳۷۷: ۴۱). در نخستین مراحل تکوین دولت مدرن، آهنگ اصلی و عمده فراگرد سیاسی داخلی، درگیری‌های دائمی میان مراکز خودمختار قدرت بر سر تأمین حقوق قضایی و مصونیت‌های هریک از ایشان بود؛ اما دولت مدرن توانسته این مسئله سیاسی اصلی را حل کند که ما آن را وحدت یا حاکمیت داخلی نامیده‌ایم. (پوجی، ۱۳۸۴: ۱۷۲). دولت‌های مدرن دارای تولدایی اعمال قدرت بر تمام گستره سرزمینی خود هستند و این توانایی را علاوه بر مردم این سرزمین، دیگر دولت‌های خارجی پذیرفته‌اند.

#### ۲-۵. کنترل ابزار قهر

ادعای در اختیار داشتن انحصار قوه قهریه و ابزار اعمال قهر (با پشتوانه‌ی یک ارتش و پلیس دائمی) تنها با آرام کردن مردم - در هم شکستن مراکز قدرت و اقتدار رقیب - در دولت‌های ملی میسر شد. این رکن دولت مدرن تا قرن نوزدهم به‌طور کامل وجود نداشت (هلد، ۱۳۹۴: ۱۳۴). در درون دستگاه عریض و طویل و گسترش‌یابنده دولت، فقط دو بخش از قوای اجرایی یعنی بخش نظامی و پلیس، با قضیه جبر در ارتباط باقی می‌مانند؛ اما تصمیم‌گیری‌های کلیدی درباره آن سازمان‌ها و مسئله تأمین مالی آن‌ها و چگونگی به‌کارگیری قدرت ایشان در صلاحیت دیگر ارگان‌های قانون‌گذاری و اجرایی است (پوجی، ۱۳۸۴: ۱۷۳). نیروی نظامی در دولت مدرن به یکی از مؤلفه‌های دولت مدرن هم تبدیل شد. دولت‌های مدرن برای ایجاد نظم و امنیت داخلی و بین‌المللی باید دارای این رکن اساسی باشند.

#### ۳-۵. ساختار غیرشخصی قدرت

فکر تشکیل یک نظام سیاسی غیرشخصی و حاکم - یعنی نوعی ساختار قانونی محدودشده‌ای قدرت، همراه با اختیارات قانونی عالی بر یک قلمرو - نمی‌توانست در شرایطی غلبه پیدا کند که حقوق، تعهدات و وظایف سیاسی، در پیوند تنگاتنگ با حقوق مالکیت، دین و دعاوی گروه‌های صاحب‌امتیاز سنتی از قبیل اشراف درک می‌شد. این مسئله حتی در قرن‌های هجدهم و نوزدهم مورد مناقشه بود. (هلد، ۱۳۹۴: ۱۳۴)

از نظر تالکوت پارسونز مهم‌ترین ویژگی‌های مهم حکومت ملی توسعه طولانی مجالس پارلمانی و توسعه حق رأی شهروندی برای انتخاب نمایندگان قوه مقننه و برتری قانون‌گذاران مجالس است. چنین جنبه‌هایی با الگو قرار دادن انگلستان از سال ۱۶۸۸ به این سو، گسترش یافته‌اند (واتنر، ۱۳۸۱: ۳۰۵). پارلمان فقط جایگاهی برای بحث و گفت‌وگو نیست بلکه مسند فراگرد زنده و جاندار تصمیم‌سازی است (پوجی، ۱۳۸۴: ۱۷۷). اجرای این تصمیمات به

ساختار اجرایی قوی نیاز داشت، بنابراین بوروکراسی کارآمدی به وجود آمد. در دولت مدرن، سیادت بوروکراتیک اصل سلسله‌مراتب و انتقال امور از دوایر حاکم است، یعنی نظام معین و منظم اطلاعات و تبعیت که بر اساس آن ادارات مادون تحت سرپرستی ادارات مافوق هستند. چنین سیستمی فرد تحت فرمان امکان رجوع از اداره پایین‌تر به اداره مافوق را می‌دهد. در تکامل‌یافته‌ترین حالت این نوع سیادت، سلسله‌مراتب اداری در تمام ساخت‌های بوروکراتیک می‌توان یافت (ویر، ۱۳۷۴: ۲۸۲). به تعبیر ویر دولت بنگاهی سیاسی با ماهیت نهادی است. معنای روشن سخن ماکس ویر این است که هویت دولت مدرن با فرآیند نهادی شدنش و با تشکیلات دیوان‌سالاری‌اش شناخته می‌شود (دورماگن، ۱۳۹۴: ۴۲)؛ بنابراین هرچند دولت مدرن بر اساس مرکزیت واحد بنیان گذاشته شد اما همین دولت نیز به ارگان‌ها و ادارات متعددی تقسیم گردید که علائق و صلاحیت‌های گوناگونی داشتند (پوجی، ۱۳۸۴: ۱۷۵). غیرشخصی سازی قدرت در دولت‌های مدرن به‌عنوان بنیان این دولت‌ها مطرح شد، این غیرشخصی سازی در پارلمان‌ها به‌عنوان مرکز تصمیم‌گیری رخ داد؛ و برای اعمال تصمیمات و کنترل و نظم‌بخشی در دولت‌های مدرن مجموعه نهادهای ایجاد کردند که ویر مجموعه این نهادها را بوروکراسی نامید.

#### ۴-۵. مشروعیت

تنها پس از به چالش کشیده شدن و از میان رفتن ادعاهایی از قبیل حق الهی و حق دولت بود که انسان‌ها به‌مثابه افراد و مردم امکان تبدیل شدن به شهروندان فعال نظم جدید را یافتند — نه صرفاً اتباع مکلف یک شاه یا امپراتور. وفاداری شهروندان به چیزی تبدیل شد که دولت‌های مدرن باید آن را کسب می‌کردند. این وضعیت ناگزیر متضمن ادعای مشروعیت دولت بود؛ زیرا دولت بازتاب و یا نماینده نیازها و منافع شهروندانش بود (هلد، ۱۳۹۴: ۱۳۴). دولت به‌عنوان نظامی از حکومت با مسئله مشروعیت روبه‌رو است، یعنی آنکه می‌خواهد شهروندانش به اقتدار او گردن نهند اما نه با انگیزه یک عادت بی‌منطق یا به خاطر محاسبات سود و زیان شخصی، بلکه به انگیزه این اعتقاد که تمکین از دولت، یک حق است (پوجی، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

به بیان ماکس ویر دولت مدرن مشروعیت خود را از قانون می‌گیرد (هلر، ۱۳۹۲: ۲۸۹). دولت مدرن بر اساس مجموعه قوانین و مقرراتی ایجاد شده است که ساختارهای اساسی را مشخص می‌کند، این مجموع قوانین بنیادی را قانون اساسی می‌نامند؛ بنابراین دولت مدرن باید دارای مشروعیت بر پایه قانون باشد و شهروندان به اقتدار دولت گردن نهند. همچنین بین شهروندان به‌عنوان یک ملت باید توافقی صورت گیرد که دولت بر پایه خواست ملت تأسیس شود و این دو بر هم منطبق باشند.

در مدرنیته سیاسی شهروندی یکی دیگر از ریشه‌های مشروعیت بخش دولت مدرن است. نمایندگی به‌تنهایی برای دست‌یابی به مدرنیته سیاسی کفایت نمی‌کند، بلکه جدایی میان قلمرو عمومی و پهنه خصوصی هم همچنان که جدایی دولت و جامعه، ضروری می‌نماید و این در واقع مستلزم به رسمیت شناختن حقوق فردی است (باربیه، ۱۳۹۲: ۱۶۵). جهان نوین دولت — ملت و هویت بارز شهروندی است. فرد به‌مثابه جماعت سیاسی صاحب چهره‌ای به نام شهروند می‌شود. عضو دولت — ملت صاحب منزلت شهروندی می‌شود که بر اساس آن در زندگی سیاسی و نیز مدنی دست به اقدامات فراوانی می‌زند. فرد در چشم دولت و قانون، شهروند است. در چشم اعضای

جامعه مدنی به‌عنوان حامل حقوق بازشناخته می‌شود؛ بنابراین، این حقوق بین افراد پیوند و اعتماد ایجاد می‌کنند و کنش متقابل اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کنند (چاندوک، ۱۳۷۷: ۱۹۱ - ۱۹۰).

حاکمیت مردم بر حکومت، در ابتدا نیازمند توجه به حقوق فردی و تفکیک حوزه خصوصی، مدنی و عمومی است (باربیه، ۱۳۹۲: ۱۶۸ — ۱۳۹). مردم هم حاکم بر زندگی خصوصی خود هستند و هم از طریق شکل‌دهی به احزاب سیاسی و انجمن‌های مدنی در مدیریت جامعه مشارکت می‌کنند (چاندوک، ۱۳۷۷: ۷۲ — ۶۲)؛ بنابراین شهروندی به‌طور ضمنی یعنی برابری اساسی انسان که از عضویت کامل فرد در یک جامعه سیاسی ملی ناشی می‌شود و در حقوق رسمی برای تمامی شهروندان تجسم می‌یابد (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۲۳). بعد از دوره‌ای طولانی شهروندی در درون دولت‌های مدرن از اهمیت بالای برخوردار شد و دیگر به افراد جامعه به‌عنوان یک فرد بدون حقوق و مسئولیت مدنی نگاه نمی‌شد. فضای کافی برای طرح و اعمال خواسته شهروندان در دولت مدرن فراهم شد و از توانایی مداخله دولت در عرصه خصوصی کاسته شد.

مدرنیته سیاسی کشورهای که هنوز به‌صورت سنتی اداره می‌شدند در بین نخبگان واکنش‌های به صورت‌های مختلف در برداشت. ایران در دوره قاجار به‌عنوان یک کشور که هنوز مانند گذشته ایلیاتی‌ها بر آن حاکم هستند نیز واکنش‌های زیادی را نسبت به فکر و عمل دولت مدرن در برداشت.

#### ۶. مصادیق مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی در ایران

ایرانیانی که به کشورهای مترقی سفر کردند با دیدن دستگاه بزرگ، متمدن، ترقیات گوناگون در صنایع و علوم اکتشافات و اختراعات و شهرهای زیبا و ابنیه مجلل را که جمله محصول حکومت ملی بود؛ جلب و مفتون تجلیات دنیای نوین شدند و رؤیای اینکه روزی در ردیف ملل مترقی جای‌گیرند را در سر می‌پروراندند. (ملک‌زاده، ج ۱ تا ۳، ۱۳۸۳: ۸۵) بنابراین مسبب اصلی گسترش آگاهی سیاسی ایرانیان عزیمت به دنیای مدرن بود که حتی شاهان قاجاری هم از این سیاحت‌ها عقب نماندند و ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه سفرهای را به اروپا داشتند. (هاردینگ، ۱۳۶۳: ۶۲ — ۶۱) از دهه آخر سلطنت ناصرالدین‌شاه به بعد فکر آزادی و مشروطه و حمله به اصول استبداد مظاهر مهمی دارد. در این دوره است که برجسته‌ترین متفکران و مبلغان به درجات فعال رسیدند (آدمیت، ۲۵۳۵: ۲۹). ملک‌خان، با جلب نظر شاه، یک دفتر تنظیمات برای دربار تنظیم کرد. ملک‌خان برای این مقررات اصطلاح قانون را به کار می‌برد تا آن را از شریعت و عرف متمایز سازد. وی تأکید می‌کند که این قوانین جدید باید بر دو اصل اساسی مبتنی باشد؛ توسعه رفاه عمومی و برابری همه شهروندان. سرانجام دفتر با توصیه‌های مشخصی پایان می‌یافت، تفکیک حکومت به یک شورای قانون‌گذاری و یک هیئت اجرایی که هر دو برگزیده شاه باشد؛ با توجه به افکار عمومی؛ تنظیم و تدوین قوانین پیشین؛ تشکیل ارتش حرفه‌ای و دائمی؛ ایجاد اداره مستقل مالیاتی؛ ایجاد نظام آموزش همگانی؛ احداث بزرگراه‌های جدید بین شهرهای اصلی؛ و تشکیل بانک دولتی برای تأمین مالی توسعه اقتصادی (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۸۵). روشنفکر دیگر در این دوره زمانی میرزا آقاخان کرمانی، است که در آثارش تأثیر ژرف عقاید منتسکیو، روسو، آگوست کنت و هربرت اسپنسر نمایان است. با افکار لاک و هابز هم آشنا بوده و آنچه از دانشمندان انگلیسی می‌دانسته از طریق تألیفات فرانسوی گرفته است. نسبت به منتسکیو و روسو دل‌بستگی و اخلاص دارد و اتفاقاً پیش از آگوست

کنت، منتسکیو بود که در همه مظاهر و متعلقات مدنیت یکجا جمع کرد و ارتباط آن‌ها را باهم بررسی کرد (آدمیت، ۱۳۵۷: ۱۰۶-۱۰۵). شاید به همین دلیل بوده که در تاریخ جدید ایران، به دوره زمانی مابین آغاز آشنایی جامعه ایرانی با غرب مدرن و وقوع انقلاب مشروطیت، «عصر بیداری» گفته می‌شود (میرسپاسی، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

در عصر مشروطیت بود که گروه کوچکی از دانشوران پیام‌آور آرمان‌های عصر روشنگری غرب شدند و پیکار با استبداد سیاسی و استبداد دینی را بر عهده گرفتند. به قول مرحوم میرزای نائینی در تنبیه الامه و تنزیل المله «استبداد دو شعبه دارد: دینی و سیاسی» همان‌طور که می‌دانیم عصر روشنگری و دوران جدید فرهنگ اروپایی نیز با مبارزه با این دو شعبه از استبداد برپاشده بود. پس آدم روشنگر، یا روشنفکری که پیام‌آور عصر روشنگری است، در برابر این دو شعبه از استبداد به پا می‌خیزد و علیه آن‌ها مبارزه می‌کند و درست از همین روست که آنان را ابتدا منورالفکر و سپس روشنفکر خواندند (اشرف، ۱۳۷۲: ۳۷۴-۳۷۳).

روشنفکران مدرنیته سیاسی را تنها راه برای توسعه و پیشرفت در ایران مناسب می‌دیدند. در مجموع اصلاح‌طلبان و روشنفکران اساسی‌ترین و ابتکاری‌ترین ویژگی مدرنیته را در شکل نهاد دولت می‌دانستند؛ بنابراین، نوسازی دستگاه دولت محوری‌ترین مفهوم اصلاحات در این دوره بود (کارشناس، ۱۳۸۲: ۷۱). نتیجه طرح مدرنیته سیاسی در نوشته‌های روشنفکران را می‌توان در انقلاب مشروطه و پس‌از آن دید. پس با توجه به اهمیت مدرنیته سیاسی باید ریشه‌های طرح آن در ایران را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

#### ۱-۶. سرزمینی بودن

طی سالیان طولانی ایرانیان به این اعتقاد آوردند که فقط با گردن نهادن بر سلطه‌ی زور تام، به صلاح و رهایی خواهند رسید (قاضی مرادی، ۱۳۸۰: ۱۵۴)؛ اما با وجود استبدادی بودن حکومت در ایران، اعمال قدرت و نظارت در بسیاری از نواحی از جمله مناطق ایل‌نشین به‌راستی یکی از مشکلاتی بود که قاجاریه با آن روبه‌رو بوده‌اند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۹۸).

با آغاز نوشتن سفرنامه‌ها در دوره قاجاریه، رضا قلی میرزا<sup>۱</sup> با توجه به تفاوتی که در زبان انگلیسی بین دولت<sup>i</sup> و حکومت<sup>iii</sup> می‌نویسد:

«لفظ دولت که از ایشان در السنه و افواه آمده بر دو قسم است: یکی دولت خاص است و دیگری دولت عام؛ اما دولت خاص که می‌گویند منظور پادشاه و وزرا و بعضی از ارکان دولت می‌باشد؛ و دولت عام که گویند نفوس آن مملکت از شاه الی فقیر همگی را متصور دارند و اغلب آن است که لفظ دولت در میان ایشان تلفظ می‌شود شامل عام بوده باشد زیرا آن دولت دولتی است عام و همه مشارکت در دولت دارند و قانون روز اول بر این افراد قرار بوده است و سبب استقامت و کثرت مکت خود را نیز در اتفاق آرا و مشارکت عموم دانسته‌اند» (توکلی طرقي، ۱۳۸۲: ۲۱۵).

برای اولین بار بود که یک ایرانی این‌گونه مشاهدات خود در مورد ماهیت حکومت بیان می‌کند. تا اواسط قرن نوزدهم میلادی، کابینه ایران متشکل بود از رئیس الوزراء و چند وزیر که نمایانگر نفوذ مذهب و سنن کهن در شاه بود. در سال ۱۲۲۸ ش / ۱۸۵۰ م. ناصرالدین شاه با اصلاح کابینه اعضای آن را به شش وزارتخانه مالیه، جنگ، داخله،

خارجه، عدلیه و اوقاف محدود ساخت، ولی به‌تدریج عده‌ای به‌عنوان وزرای افتخاری به این تعداد افزوده شدند (دستره، ۱۳۶۳: ۸).

مراوده بیشتر با غرب، دریافت جدیدی از لیبرالیسم اروپایی، حکومت پارلمانی و قانون اساسی و مشروطه را برای بخش‌های مهمی از جامعه به ارمغان آورد. در میان اصلاح‌طلبان غیرمذهبی‌تر، از جمله بسیاری از تاجران و صاحبان صنعت و بعضی از علمای ترقی‌خواه، این تلقی جمعی شکل گرفت که ایران باید به‌صورت جامعه مدرن درآمد که در آن اختیارات حکومت توسط حاکمیت مرکزی کنترل شود. (آفاری، ۱۳۸۵: ۴۳ — ۴۲) در مورد بعد خارجی حاکمیت یعنی حفظ استقلال وطن در تصمیم‌گیری‌ها در اسناد آمده است، بدیهی است تمام افراد ملت و هیئت وزرا و مجلس مقدس شورای ملی باید در رعایت استقلال وطن آنچه را می‌توانند انجام دهند. (مستشارالدوله، ۱۳۶۲: ۳۸ — ۳۷) بنابراین نیروی محرکه انقلابیون مشروطه‌خواه تعدادی از اصلاح‌طلبان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران بودند که به نظرشان مشروطیت و حاکمیت ملی برای ایجاد یک ایران نیرومند و امروزی ضروری به نظر می‌رسد (علم، ۱۳۷۷: ۳۸). پس دیگر حاکمیت از آن خداوند نیست که آن را به پادشاه منتقل کند؛ بلکه حاکمیت باید توسط مردم به حاکم داده شود و حاکم باید در مقابل مردم پاسخگو باشد و این مردم در مرزهای مشخصی زندگی می‌کنند که به‌عنوان ملت ایران شناخته شده هستند.

## ۲-۶. کنترل ابزار قهر

در ایران برخورد با مدرنیته در نتیجه جنگ ایران و روسیه رخ داد. به همین دلیل نخستین اقدام چشمگیری که حکومت ایران برای مقابله با سلطه اروپایی مدرن انجام داد، اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا و استخدام کارشناسان اروپایی و به‌ویژه مشاوران نظامی، بود. پس اولین رویارویی ایرانیان با مدرنیته توجه اصلی به عرصه نظامی بود (وحدت، ۱۳۹۳: ۵۸). در دوران صدرات امیرکبیر در سال‌های ۱۸۵۰ م/ ۱۲۹۹ ش ارتش منظمی ایجاد شد که هم تمرین نظامی بهتری می‌دید و هم حقوق بیشتری به نفرات آن پرداخت می‌گردید. ارتش مذکور اسماً از ۱۰۰ هزار سواره‌نظام و ۳۰ هزار پیاده‌نظام تشکیل می‌شد اما احتمالاً تعداد واقعی آن‌ها بیش از ۲۰ هزار نفر نبوده است؛ اما بعد از برکناری امیرکبیر راه انحطاط پیمود. نهاد فاسد و پوسیده نظامی در سال‌های ۱۸۶۸ م/ ۱۲۴۷ ش که فساد در تمام شئون دولتی رخنه کرده بود ارتش نیز از آن بی‌نصیب نماند (فوران، ۱۳۹۴: ۲۱۸). فرد دیگری که اقدام به نو‌سازی ارتش کرد امین‌الدوله بود او برای امنیت داخلی و آموزش نظامی درصدد استخدام چند افسر اتریشی و خریداری چند توپ و چند هزار تفنگ از اتریش برآمد. ولی سفارت روسیه به دستور کنت موراویف، وزیر خارجه روسیه، به استخدام افسران اتریشی و خرید توپ و تفنگ از اتریش اعتراض کرد و متذکر شد که استخدام معلمین نظامی از خارج نزد دولت روسیه تأثیرات ناراحت‌کننده‌ای خواهد داشت، امین‌الدوله هم ناچار در پاسخ نوشت که معلمین نظامی استخدام نخواهند شد (نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد، ۱۳۷۰: ۱۵).

اهمیت نیروی نظامی در این دوره به قدری است که نخستین کارخانه‌های مدرنی که با نیروی بخار کار می‌کرد و میرزا حسین‌خان سپهسالار تأسیس کرد کارخانه‌های اسلحه‌سازی و مهمات‌سازی بود که در سال ۱۲۱۶ ش/ ۱۲۵۳ هـ ق از اروپا وارد شد (وحدت، ۱۳۹۳: ۱۰۴). نیروهای مسلح به دلیل نقش آن در تعادل جناح‌های متنوع جامعه ایران، برای حفظ ساختار سازمانی سنتی خدمت می‌کردند که از دوره صفویه و افشار به ارث رسیده بودند. با پیروی از

الگوهای سازمان‌دهی و رفتار قبیله‌ای، نیروهای نامنظم، ماهیت قبیله‌ای جامعه ایران را حفظ کردند. درعین‌حال، دولت نمی‌توانست اجازه دهد که قبایل بیش‌ازحد قدرت بگیرند؛ چراکه آن‌ها به دلیل انعطاف‌پذیری، قدرت و تحرک سازمانی خود به مدت طولانی تهدید اصلی برای اقتدار شاه بودند (Rabi, 2012:353). بنابراین، بریگارد قزاق از نخستین تلاش‌های حکام قاجار برای تشکیل ارتشی منظم محسوب می‌شود. ارتشی که متحدالشکل و با خواستگاه ملی جایگزین قشون ایلپاتی حکام قاجار شد. در سال ۱۲۷۹ ش / ۱۹۰۰ م ارتش - به‌غیراز بریگارد ۱۰ هزارنفری قزاق زیر نظر روس‌ها تمرین می‌دید و کارایی نسبتاً خوبی داشت - به دو هزار نفر محدود می‌شد که محافظ شخصی دولتیان بودند (فوران، ۱۳۹۴: ۲۱۸). حکومت ایران با در اختیار داشتن بریگارد قزاق از نیرویی کاملاً مجهز و منضبط داشت که به‌ویژه از ۱۲۸۸ ش / ۱۸۹۹ م به کارایی قابل‌ملاحظه‌ای دست‌یافته بود و بدون اغراق برتر از هر نیرویی بود که ایرانی‌ها قادر به تربیت آن بودند؛ اما بریگارد قزاق جایگزین ارتش ایران نبود. فرماندهی، تشکیلات و تعلیمات آن همگی در جهت اعمال نفوذ هرچه بیشتر بر طبقه حاکم ایران، حمایت از آن و تثبیت سلطه روسیه بر آن بود. به همین خاطر این نیرو از بدو شکل‌گیری در ۱۲۸۴ ش / ۱۸۹۵ م انتخاب فرماندهان برای بریگارد قزاق ایران در ید اختیار فرماندهی نظامی قفقاز بود (طوسی، ۱۳۶۹: ۱۱۲-۱۱۱).

مجلس دوم در عمر کوتاه خود در پی ایجاد ارتش منظم بود و توانست، ژاندارمری را در ۱۲۹۰ ش (محرم ۱۳۲۹) به وجود آورد. دولت ایران در ۱۲۸۹ ش از دولت سوئد درخواست تشکیل نیروی برای حفظ امنیت راه‌ها کرد؛ در سال ۱۲۹۳ ژاندارمری ۲۰۰ افسر و ۷۰۰۰ ژاندارم داشت (غنی، ۱۳۸۰: ۳۰). در واقع تشکیل ژاندارمری حکومتی در راستای کوششی اصولی توسط حکومت ایران در دوره مشروطیت بود تا نوعی دستگاه اعمال قدرت سازمان‌یافته با پایه ملی بنیان نهند که واقعاً پاسخگویی مقامات ایرانی باشد. (کرونین، ۱۳۷۴: ۶۷). پس در نهایت در دوره ناصرالدین‌شاه تلاش‌ها برای ایجاد نیروی نظامی قوی انجام شد چراکه در دوران جدید نمی‌شد با همان قدرت نظامی ایللی بر کشور حکومت کرد. مشروطه خواهان کمترین تلاش را برای ایجاد ارتش حرفه‌ای انجام دادند به‌نحوی که بعد از اشغال ایران در جنگ جهانی اول لزوم ایجاد ارتشی قدرتمند بیشتر مورد درخواست بوده است. پس با توجه به اهمیت این مؤلفه مهم مدرنیته سیاسی در دوران پهلوی اول توجه بیشتری به آن شد و در این دوره به معنای واقعی ایران دارای ارتش شد.

### ۳-۶. ساختار غیرشخصی قدرت

طالبوف در مورد انتخابات و ساختار غیرشخصی در اروپا می‌گوید؛

«در حکومت مشروطه یا حکومت جمهوری به‌هیچ‌وجه در امور اداره بلدیة دخل و تصرف نمی‌کنند، مگر این‌که اداره بخواهد قراری که خلاف قانون است وضع نماید؛ و همچنین از دهات کوچک تا شهرهای بزرگ از دو خانوار تا پانصد و هزار خانوار اداره مخصوصی دارند و را رئیس او اعضا انتخاب نموده‌اند» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۵۴).

از نظر میرزا ملک‌خان؛ قانون هر حکمی است که از حکومت صادر شود باید مبنی بر صلاح عامه طایفه باشد و اطاعت آن بالمساوی بر افراد طایفه لازم بیاید. حکومت از دو نوع اختیار وضع قانون و اختیار اجرای قانون تشکیل شده است (اصیل، ۱۳۸۱: ۳۲ - ۳۱). وضع قانون مستلزم اجرای قانون است. اختیار وضع قانون باید لامحاله از اختیار اجرای

قانون جدا باشد. لهذا بعد از استقرار دستگاه قانون بایستی ابتدا دستگاه اجرایی برپا شود (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۲۴). مطرح کردن این مباحث توسط روشنفکران در نهایت منجر به انقلاب مشروطه شد. از همان روز که فرمان شاهنشاه مبنی بر تأسیس مجلس شورای ملی صادر شد، ایران در شمار کشورهای مشروطه دارای قانون اساسی درآمد. در قلمرو حقوق اساسی مجلس ملی حقوق ذاتی خود را اجرا کرد و همچنین اصلاح و تصویب قانون اساسی و نوشتن متمم آن تا حد معینی اختیارات قوه مؤسس را در تنظیم اصول مشروطیت بالفعل بر عهده داشت. در آغاز مجلس ملی از دولت قانون اساسی را مطالبه کرد (آدمیت، ۲۵۳۵: ۳۸۴)؛ به‌عنوان مثال در مورد اهمیت مجلس در اصل پانزده نظام‌نامه مجلس آمده: مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت می‌داند پس از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی عنوان کرده و با رعایت اکثریت آرا در کمال امنیت و اطمینان و با تصویب مجلس سنا به‌توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحنه همایونی موشح و به‌موقع به اجرا گذاشته شود و در اصل شانزدهم: کلیه قوانینی که برای انتظام امور دولتی و مملکتی تشکیل مبانی دولت و سلطنت و اساسی وزارتخانه‌ها باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد (کرمانی، ۱۳۶۱: ۴۰).

### ۱-۳-۶. بوروکراسی در ایران

تصویب قوانین مجلس نیاز به بازوی اجرایی قوی داشت بنابراین تلاش‌های برای رسیدن به یک بوروکراسی در این دوره انجام شد. در این‌باره نیز ملکم این‌گونه از آن یاد می‌کند: در اختراعات صنایع، هر قدر از ملل فرنگ عقب‌افتاده‌ایم، در این فقره ترتیب دستگاه دیوان، صد مرتبه بیشتر غافل و دورمانده‌ایم زیرا که ما در این دو سه هزار سال در عوالم صنایع فی‌الجمله ترقی کرده‌ایم، چنان‌که عوض تیر و کمان، توپ و تفنگ داریم. ولی در علم ترتیب دستگاه دیوان اصلاً ترقی نکرده‌ایم. چنانکه دو هزار سال قبل از این (هر طور) مالیات می‌گرفتیم، امروز هم همان‌طور می‌گیریم (اصیل، ۱۳۸۱: ۳۰-۲۹). ملکم خان به‌شدت تحت تأثیر کارآمدی دستگاه اداری اروپایی، به‌ویژه دستگاه اداری دولتی قرار داشته است. از نظر وی، اروپاییان نه‌تنها کارخانه‌های توسعه‌یافته برای تولید اشیاء بلکه کارخانه‌های پیشرفته برای تولید انسان‌ها نیز دارند. (وحدت، ۱۳۹۳: ۶۳)

مستشارالدوله صادق نیز در مورد نیاز به بوروکراسی یا دستگاه دیوانی در خاطرات خود می‌نویسد:

«الحق که اگر دستگاه دیوان مرتب بودی امروز درخور نام مقام داشتیم و در سایه اصلاحات کلیه از آب‌شور شمالی و جنوبی چه شهده‌هایی شیرین حاصل و از غنائم طبیعی وطن وجود فطری ابنای آنچه گنج‌های شرف و سعادت ظاهر و کامل کرده بودیم؛ اما این هم‌آرزوست» (مستشارالدوله صادق، ۱۳۶۱: ۲۵۷).

شاید یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها برای ایجاد بوروکراسی در ایران توسط سپهسالار انجام گرفت که او، چنین نهاد که یک صدراعظم و نه وزارتخانه بر پا شود. بدین‌سان: وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیات، وزارت عدلیه، وزارت علوم، وزارت فواید، وزارت تجارت و زراعت، وزارت دربار و کارها آزاد ولی نزد صدراعظم پاسخگو باشند. (کسروی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۱۱) البته این تلاش‌ها به دلیل مخالفت محافظه‌کاران به نتیجه لازم نرسید. بعد از انقلاب مشروطه و در مجلس اول وزرا انتخاب شدند و زیرمجموعه‌ها و کارهای آنان نیز مشخص گردید. (کسروی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۲۳۱ — ۲۳۰) در این زمان برای اولین بار بود که وظایف و اختیارات هر قسمت به شیوه مدرن تدوین و

مشخص گشت و مجلس حق نظارت بر کلیه امور را در اختیار گرفت. با استخدام کارشناسان خارجی تلاش شد تا بوروکراسی را متحول کنند و تلاش ۱۷ ساله‌ی مأمورین بلژیکی در ادارات ایران به اصلاحاتی در گمرک و پست نتیجه‌ای منجر شد. در واقع با شروع کار مأموران بلژیکی، دوره جدیدی در ادارات ایران آغاز شد. آن‌ها موفق شدند؛ ایرانیان را با نحوه کار اداری، بایگانی و محاسبات مأمورین متخصص آشنا سازند. حتی اگر نتیجه آن‌ها همین باشد، باید آن را عملی مثبت دانست (دستره، ۱۳۶۳: ۲۶۱). در مدرنیته سیاسی تشکیل پارلمان به مثابه اراده ملت به معنای اصل دولت مدرن فهم می‌شود؛ و به نوعی دیگر مؤلفه‌ها را جهت‌دهی می‌کند. در انقلاب مشروطه ایران نیز تشکیل مجلس خود تحول عظیمی محسوب می‌شد چراکه اساس انقلاب مشروطه و خواسته‌ای اصلی انقلابیون محسوب می‌شد به طوری که مجلس، کانون درگیری‌ها بود. همچنین ایران دوران قاجار یک جامعه به شدت سنتی بوده و نهادهای حکومتی ضعیف بودند. در نتیجه در دوران مشروطیت خواسته‌های برای تشکیل یک بوروکراسی کارآمد مطرح شد و تلاش‌های هم برای رسیدن به آن انجام شد.

### ۲-۳-۶. قانون اساسی

در نظر روشنفکران ایرانی مردم فرنگستان برخاسته‌اند تا به اجرای منشور مساوات و موازات در گیتی بپردازند. (آدمیت، ۱۳۵۷: ۲۵۵) اصلاح‌طلبان ایرانی در قرن نوزدهم بیشتر دو عامل را مایه اقتدار و آبادانی اروپا می‌دانستند: فناوری جدید و حاکمیت قانون. (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۱) آخوندزاده نیز می‌نویسد:

«حتی رجال معتبر دولت نیز از آفات حکومت استبدادی مصون نیستند کیست که سرنوشت وزیرانی چون میرزا ابراهیم شیرازی و میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام و میرزا تقی‌خان امیرکبیر را نداند. همه این‌ها آثار حکومت بی‌قانون است. او همچنین در نقد نظام اداری استبدادی قاجار می‌نویسد: در سراسر دستگاه دیوان، یک کتاب قانون در دست نیست» (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۳۹ - ۱۳۸).

همچنین در مورد لزوم وجود قانون طالبوف می‌نویسد:

«الآن که امور و احکام شرع معوق مانده است؛ اسلام از دایره خود بیرون شده، سوء اخلاق عمومی به نقطه آخری رسیده، آفتاب معرفت غروب نموده و کشتی ملیت‌ها در میان امواج توفان حوادث مشرف غرق می‌باشد. فقط ساحل نجات و وسیله خلاص و تهذیب اخلاق و طلوع آفتاب معرفت وضع قانون و اجرای آن است و بس» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۲۱۰-۲۰۹).

در روزنامه قانون آمده است: ایران مملو است از نعمات خداداد، چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبود قانون است. هیچ‌کس در ایران مالک هیچ‌چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون. سرتیپ عزل می‌کنیم بدون قانون. حقوق دولت را هم می‌فروشیم بدون قانون. بندگان خدا را حبس می‌کنیم بدون قانون. خزانه می‌بخشیم بدون قانون. شکم پاره می‌کنیم بدون قانون (ملکم، ۱۳۶۹: ۱). مستشارالدوله نویسنده رساله معروف یک کلمه است؛ منظور وی از یک کلمه قانون است. او با انتخاب چنین عنوانی می‌خواسته است بگوید تنها راه نجات ایران در یک کلمه یعنی قانون خلاصه می‌شود. (آجودانی، ۱۳۸۷: ۴۰). آخوندزاده دیدگاه خود را در مورد قانون

این‌طور شرح می‌دهد که واضع قانون ملت است و ملت است که «قانون اساسی» می‌نویسد و بساط حکومت مطلقه و سلطنت ظالم را برمی‌چیند و بر اساس همان قانون، دولت یا حکومت قانونی را به وجود می‌آورد. به تعبیر روشن‌تر، آخوندزاده در نامه ۱۲۴۹ ش / ۱۸۷۱ م، همان مفهوم دولت — ملت<sup>۱۷</sup> را به زبان ساده مطرح می‌کند و چاره کار را در ایجاد و برپایی دولت ملی و حکومت ملی می‌بیند. همین خواست آخوندزاده، سال‌ها بعد به‌صورت گسترده‌ای در شعر مشروطه انعکاس یافت (آجودانی، ۱۳۸۷: ۵۱) به همین دلیل است که بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب مشروطه را: حکومت بر پایه قانون اساسی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۵۰). سایر واژگان قانون اساسی دیگر کشورها در طول پروسه ساخت قانون اساسی به‌سرعت در ایران پذیرفته شد. به عبارت دقیق‌تر، هیچ نوع سردرگمی در مورد نوع قانون که برای آن جایگزینی مدرن بود، وجود ندارد. مفهوم جامعه سیاسی توسط مؤسسان سازنده اولیه نیز قابل توجه است (Amir Arjomand, 2008:36). ولی به هر صورت در متمم قانون اساسی مواردی از آن را حذف یا اصلاح و موادی را به آن اضافه نمودند. با توجه به تلاش‌های مشروطه خواهان در نهایت ایران دارای قانون اساسی شد.

### ۳-۳-۶. انجمن‌ها و نهادهای مردمی

در دوره مشروطه که به معنای تاریخی آن تأسیس دولت ملی و رشد جامعه مدنی بود، اصناف به‌عنوان یکی از مهره‌های سیاسی وارد گود سیاست شدند (اشرف، ۱۳۷۵: ۲۸ — ۲۶). در عرصه آزادی بیان و نوشتار نیز، آزادی تازه مطبوعات و احزاب، شکوفایی ناگهانی روزنامه‌ها و انجمن‌های عمومی را به همراه آورد. انجمن‌های انقلابی در سراسر ایران تشکیل شد و در سیاست و حکومت صاحب نفوذ بسیار گردید (کدی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). هرچند احزاب در ایران رشد کافی نیافتند و بخصوص از لحاظ ارتباط با مردم و با دولت ضعیف بودند. ولی باید اضافه کرد به‌طورکلی، احزاب ایران کم‌وبیش تحت همان قواعد احزاب اروپایی ظاهر شدند و یکی از ارکان مشروطه گشتند (اتحادیه نظامی، ۱۳۶۱: ۱۷).

پس از برقراری مشروطیت، اهالی هر یک از ولایات و ایالات انجمن تشکیل دادند و اصناف تهران و محلات به تأسیس انجمن‌های صنفی و محلی همت گماشتند، چنانکه در اندک زمانی در حدود دویست انجمن در تهران تشکیل یافت و هر یک از آن‌ها مخصوصاً در اتحادیه طلاب انجمن آذربایجان، انجمن مظفری، انجمن برادران دروازه قزوین چندین هزار نفر عضویت داشتند (ملک‌زاده، جلد اول دوم و سوم، ۱۳۸۳: ۴۰۷). قانون اساسی ۱۸۳۱ م بلژیک که سرمشق متمم قانون اساسی بود، تعدادی از حقوق مدنی از جمله، آزادی فردی اتباع، آزادی مذهبی، آزادی بیان، اجتماع و تشکل، برابری شهروندان (مرد) در برابر قانون و حق برخورداری از آموزش رایگان عمومی را تضمین کرده بود؛ با این تفاوت مهم که در هر مورد، این حقوق توسط قانون داده و سپس توسط شرع و علما محدود می‌شد (آفاری، ۱۳۸۵: ۱۴۷). ادوارد براون نیز عقیده دارد، نظام‌نامه حقوق ملت بسیار محکم تدوین گشته و شباهت بسیاری به منشور انگلستان دارد. هیئت دولت در برابر مجلس مسئول است، مجلس سنا متشکل از ۳۵ نماینده منتخب مردم و ۲۵ نماینده برگزیده حکومت خواهد بود که دارای حق انتقاد از ترکیبات مالی حکومت هستند (براون، ۱۳۷۶: ۱۳۲).

مطبوعات در عصر ناصرالدین شاه به گونه‌ای است که شاه تصمیم گرفت که هرگونه کتاب، روزنامه، تبلیغات یا موضوعاتی که در هر چاپخانه و در هر مکانی در داخل کشور انتشار می‌یافت، بدون تأیید شاه اجازه انتشار نداشت. این نوع کنترل و سانسور بود که روزنامه‌هایی مانند ارشاد، اختر، قانون و حکمت در خارج از کشور تأسیس می‌شد؛ علاوه بر این، آن‌ها برای روش نوشتن و انتقاد بسیار محبوب بودند (Bashir, 2000:141-142) از مؤثرترین روزنامه‌ها در انقلاب مشروطیت روزنامه مساوات بود که یک روزنامه مشروطه‌خواه افراطی و لیبرال بود. این روزنامه با توجه به جسارت فوق‌العاده‌ای که در تقویت بنیان مشروطه نشان می‌داد، در زمره قهرمانان پیشکسوت در مشروطه اول جای دارد (رابینو، ۱۳۷۲:۲۳۴). رابینو از آغاز نشر روزنامه‌های ایران تا ۱۲۸۹ ش حدود ۴۰۰ روزنامه نام می‌برد که از این روزنامه‌ها ۳۷۸ روزنامه به زبان فارسی، ۸ روزنامه به زبان فرانسه، ۱۰ روزنامه به زبان ارمنی، ۴ روزنامه نیز به زبان کلدانی و آسوری در این دوره زمانی منتشر شده است (رابینو، ۱۳۷۲: ۲۷۲-۲۶۰). این دوره را دوره آزادی‌های بی‌حد و حصر نیز نامیده شده است. چراکه همان‌طور که بیان شد به یک‌باره اصناف، انجمن‌ها، مطبوعات به نحوه گسترده‌ای رشد کردند.

#### ۴-۶. مشروعیت

بحران مشروعیت زمانی اتفاق می‌افتد که در واقع قواعد اساسی حکومت مورد تردید قرار گیرد. خواست مرکزی انقلاب مشروطه ایران تأسیس سلطنت محدود یا تعدیل یافته بود که بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب نیز بود. این به معنای لغو حکومت زور و جایگزینی آن با حکومتی بود که مشروعیتش زائیده حمایت مردم بود. به عبارت دقیق‌تر، انقلابیان خواستار حکومتی بودند که در آن اعمال قدرت مطلق و خودکامه ناممکن باشد. این خواست‌ها ناگزیر در جنبشی تبلور یافت که برای قانون اساسی که بر اساس تفکیک قوا تدوین شده باشد مبارزه می‌کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۰۱). بر اساس همین قانون اساسی در مشروطیت، مشروعیت پایه‌های نظام سنتی قاجار متزلزل شد و سامان سیاسی را در پیش نهاد که با اصول فلسفی و حقوقی اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ پیوند داشت و بر اساس حاکمیت ملت ایران «حکومت مردم بر مردم» و قوانین طبیعی و انسانی پرداخته شده بود. با چیرگی مشروطیت اصول اعلامیه حقوق بشر اساس حکومت قانون و مدرنیته سیاسی را در ایران فراهم آورد و در متمدن‌ترین قانون اساسی و اساسنامه‌ها و اهداف و آرمان‌های حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی و مراهمه‌های بسیاری از نشریات دوران مشروطیت جا یافت (توکلی طریقی، ۱۳۶۹: ۴۲۳ - ۴۲۲). یک دیپلمات روس در مورد وقایع بعد از مشروطیت می‌نویسد: برای کسانی که آشنایی نزدیکی با ایران داشتند هیچ‌گونه محل تردید نبود که برقراری رژیم مشروطه در کشور که تا به آن زمان زیر سلطه حکومت مطلقه استبدادی بود و هیچ‌گونه قانونی جز قانون شرعی در آنجا وجود نداشت فوق‌العاده آزادی خواهان بوده است. (الکسوویچ زینوف، ۱۳۶۲: ۴۴).

به نوشته ژانت آفاری، در دوران انقلاب مشروطه شعار زنده‌باد ملت ایران نیز به شعارهای زنده‌باد اسلام و مرگ بر امین‌الدوله اضافه شد. اهمیت این شعار جدید را نباید دست‌کم گرفت. تا آن زمان بیشتر ایرانیان خود را جزئی از یک منطقه یا یک گروه قومی، یا مذهب، می‌دانستند اما به‌جز اقلیت‌های شناخته‌شده مذهبی، یعنی یهودیان، مسیحیان و زردشتیان، هویت اصلی ملت همان اسلام شیعی بود. به این ترتیب، شعار غیرمذهبی و ملی «زنده‌باد ملت ایران» نه تنها از هویت‌های منطقه‌ای و قومی فراتر می‌رفت، بلکه با هویت غالب و مسلط اکثر ایرانیان برابری می‌نمود

(آفاری، ۱۳۸۵: ۸۲). همچنین در این دوره مباحث سکولاری نیز مطرح شد که خواهان جدایی دین و دولت بودند. (برای اطلاعات بیشتر ر ک: کرمانی، ۱۳۴۳: ۳، آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۳۲، Gheissari, 1998: 4 و Bayat, 1991: 139). پس از انقلاب مشروطه و گسترش ظهور انجمن‌های که اکثراً ناسیونالیسم بودند و به درجات مختلف آزادی‌خواه بودند. بسیاری از انجمن‌ها برنامه‌های منظم سخنرانی و جلسات بحث و گفتگو تشکیل دادند تا اعضای خود را با ضرورت‌های یک نظام پارلمانی و با مکتب ناسیونالیسم آزادپنخواه و دمکراتیک آشنا کنند (کاتم، ۱۳۷۱: ۳۵۵ — ۳۵۴)؛ بنابراین، مشروعیت سنتی که در ایران دوران قاجار وجود داشت در این دوره مورد تردید واقع شد. این تزلزل در مشروعیت با ناسیونالیسم همراه شد و همچنین دیدگاه‌های سکولار نیز به آن اضافه شد.

طرح مدرنیته سیاسی در دوران قاجار زمینه تحولاتی را در ایران به وجود آورد که تعیین‌کننده عرصه سیاسی و تغییرات آینده آن در ایران بود. فکر و نوشته‌های افرادی مانند سید جمال‌الدین، میرزا ملکم، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف، آخوندزاده و ... باعث شد مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی به شکل‌های مختلف در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه بیان شود و موجب تحولات سیاسی و اجتماعی در چندین سال بعد باشد. حتی در بعد عملی نیز قدم‌های برداشته شد مثلاً در دوره ناصرالدین‌شاه برای تهیه مهمات و اسلحه مورد نیاز کوشش‌های برای ساختن قورخانه و جباخانه در تهران و سایر مناطق انجام شد، تعدادی چاپخانه در ایران دایر شد، چندین روزنامه به چاپ رسید که مشهورترین<sup>۷</sup> آن‌ها روزنامه وقایع اتفاقیه است. ترجمه کتاب‌های گوناگون، ایجاد مدارس به سبک جدید که معروف‌ترین آن مدرسه دارالفنون بود؛ باهدف نظامی، فنی و صنعتی شروع به کار کرد. (اردکانی، ج ۱، ۱۳۷۰: ۳۸۱-۲۰۳) باوجود این‌گونه تلاش‌ها اما روی هم‌رفته، ناصرالدین‌شاه هرچه بیشتر مرعوب طرفداران حفظ وضع موجود بود.

هرچند همان‌گونه که بیان شد ریشه طرح و گسترش مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه ریشه داشت اما در انقلاب مشروطه و بعداز آن بود که این افکار و لندیشه‌های نو وجه عملی به خود گرفت. به‌طوری‌که مفهوم مشروعیت و ساختار غیرشخصی دولت در این دوران مشروطیت نمود بیشتری داشتند و همچنین بوروکراسی و کنترل نیروی قهر نیز در دوره پهلوی اول عملیاتی شدند. هرچند مدرنیته سیاسی در ایران مطرح شد ولی آنچه در غرب بود به‌طور کامل در ایران دوره قاجاریه اتفاق نیفتاد ولی بدون شک ریشه و اساس بسیاری از تحولات سیاسی بعدی، در ایران بوده است.

## ۷. نتیجه‌گیری

مدرنیته به‌عنوان عصری جدید در اروپا مطرح شد این عصر جدید دربردارنده تحولاتی عمیقی در عرصه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و هنری بود. تغییر و دگرگونی در نگرش سیاسی مدرن از دوران حکومت‌های مطلقه شروع شد و درنهایت به دولت مدرن منتهی شد. در دولت پیش مدرن، از مفاهیم سنتی ابزار قهر برخوردار بود و حکومت‌ها محلی به‌صورت پراکنده وجود داشتند ولی در دوره حکومت‌های مطلقه نگرش‌های اندیشمندان و در نتیجه مردم نسبت به گذشته موردتردید قرار گرفت و شیوه‌های نوینی از حکومت که دارای ارکان جدیدی بود ارائه گردید. در واقع حکومت‌های مطلقه روند انتقالی را از وضعیت دولت پیش مدرن به دولت مدرن رقم‌زده‌اند. در این دوره تمرکز قدرت، بوروکراسی، ارتش، ایجاد مرزهای سرزمینی، مالیات‌گیری، گمرک و... به‌صورت ارکان و ابزار مدرن درآمد. بعد از فروپاشی دولت‌های مطلقه، مدرنیته سیاسی به‌صورت گسترده مطرح شد که علاوه بر ابزار دولت مطلقه، حقوق و مسئولیت فردی و اصل حق تعیین سرنوشت به‌عنوان اصل اساسی مدرنیته سیاسی موردپذیرش قرار گرفت. در این دوره مردم از طریق پارلمان و نظام نمایندگی اعمال حاکمیت می‌کنند و منبع مشروعیت به شمار می‌آیند. البته مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی یک‌درهم تنیدگی با یکدیگر دارند و به‌صورت روشن و دقیق از هم تفکیک نمی‌شوند.

در دوران قاجار و با برخوردهای بین غرب و شرق، ایران نیز از این برخورد بی‌بهره نماند و ایرانیان تلاش‌های برای رستن از وضعیت نابسامان خود انجام دادند. بی‌شک پرچم‌داران اصلی این رویداد روشنفکران (دینی و غیردینی) دوره مشروطه بودند که همگی بر ضرورت ایجاد مدرنیته سیاسی در کشور تأکید داشتند. اگرچه نوشته‌های یکی از روشنفکران همه ابعاد مدرنیته سیاسی را نشان نمی‌دهد؛ اما آشنایی آنان با این مؤلفه‌ها و انتشار آن در آثارشان موجب عمومیت یافتن خواسته‌های آن‌ها شد. این عمومیت‌یافتگی در حدی گسترش یافت که حتی علما و روحانیون را به سمت خود جذب کرد. درنهایت خواسته‌های مثل حاکمیت مردم، قانون، پارلمان و بوروکراسی، گسترش آزادی‌های مدنی، ناسیونالیسم و... در افکار عامه مردم رسوخ کرده و موجبات انقلاب مشروطه را فراهم آورد. حتی این خواسته‌ها منحصر به مدرنیته سیاسی نبوده و سایر جوانب مدرنیته را در برمی‌گرفت؛ بنابراین در دوره ناصرالدین‌شاه پیش‌زمینه‌های فکری دولت مدرن فراهم گردید؛ اما در انقلاب مشروطه بود که تا حدودی مؤلفه‌های دولت مدرن هرچند با کاستی‌های در ایران وجه عملی به خود گرفت.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که آنچه در این دوره در ایران اتفاق افتاد با مدرنیته سیاسی که در غرب روی داد فاصله بسیار دارد و باید با توجه به فرهنگ سیاسی ایران مدت‌زمان طولانی در مورد آن نظریه‌پردازی می‌شد، نباید این انتظار را از جامعه ایران دوره قاجار داشت که بتوانند به‌صورت کامل به مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی دست یابند. باین‌وجود، طرح مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی در اواخر دوران ناصرالدین‌شاه قاجار، زمینه‌ساز بسیاری از تحولات معاصر در ایران بوده است.

## منابع فارسی

۱. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۶۱)، منصوره. مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۲. آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۷)، مشروطه ایرانی، چاپ نهم، تهران: نشر اختران.
۳. احمدی، بابک (۱۳۷۷)، معمای مدرنیته، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۴. آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۷)، مکتوبات، به کوشش: حمید محمدزاده، تبریز: نشر احیا.
۵. آدمیت، فریدون (۱۳۴۹)، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: انتشارات خوارزمی.
۶. آدمیت، فریدون (۱۳۵۷)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، چاپ اول، تهران: نشر گستره.
۷. آدمیت، فریدون (۲۵۳۵)، ایدئولوژی شکست اصلاحات نهضت مشروطه ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام.
۸. اردکانی، حسین (۱۳۷۰)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، بدون نوبت چاپ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. اشرف، احمد (۱۳۷۵)، نظام صنفی، جامعه مدنی و دمکراسی در ایران، تهران: مجله گفتگو، ۱۳۷۵. از صفحه ۱۷ تا ۴۵.
۱۰. اشرف، احمد. (۱۳۷۲)، زمینه‌های اجتماعی سنت‌گرایی و تجددخواهی، ایران نامه، سال یازدهم، شماره ۴۲.
۱۱. اصیل، حجت‌الله (گردآوری و مقدمه) (۱۳۸۱)، رساله‌های میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله، تهران: نشر نی.
۱۲. آفاری، ژانت (۱۳۸۵)، انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶ - ۱۹۱۱ (۱۲۸۵ - ۱۲۹۰)، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
۱۳. الکسیویچ زینویف، ایوان. (۱۳۶۲)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، چاپ اول، تهران: انتشارات اقبال.
۱۴. باریبه، موریس (۱۳۹۲)، مدرنیته سیاسی، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: انتشارات آگه.
۱۵. براون، ادوارد (۱۳۷۶)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مه‌ری قزوینی، تهران: انتشارات کویر.
۱۶. بروجردی، مهرزاد (۱۳۸۷)، روشنفکران ایرانی و غرب: سرگذشت نافرجام بومی‌گرایی، ترجمه جمشید شیرازی، چاپ پنجم، انتشارات فرزاد.

۱۷. پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. پوجی، جانفرانکو (۱۳۸۴)، تکوین دولت مدرن، ترجمه بهزاد باشی، تهران: نشر آگه.
۱۹. توکلی طرقي، محمد (۱۳۶۹)، اثر آگاهی از انقلاب فرانسه در شکل‌گیری انگاره مشروطیت ایران، ایران نامه: شماره ۱۳، تابستان ۱۳۶۹.
۲۰. توکلی طرقي، محمد (۱۳۸۲)، تجدد بومی و بازانديشي در تاريخ، تهران: نشر تاريخ ايران.
۲۱. تیلی، چارلز (۱۳۹۳)، انقلاب‌های اروپایی (۱۹۹۲ — ۱۴۹۲) بررسی تحلیلی پانصد سال تاریخ سیاسی اروپا، مترجم: بهاء‌الدین بازرگانی گیلانی، تهران: انتشارات کویر.
۲۲. چاندوک، نیرا (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و دولت، ترجمه فریدون بزرگی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
۲۳. خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق (۱۳۶۱)، به کوشش ایرج افشار، مجموعه اول، تهران: انتشارات فردوسی.
۲۴. دستره، آنت (۱۳۶۳)، مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.
۲۵. دورماگن، ژان — ایو و دانیل موشار (۱۳۹۴)، مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ اول، تهران: انتشارات آگه.
۲۶. رایبینیو، هل ل (۱۳۷۲)، روزنامه‌های ایران؛ از آغاز تا سال ۱۳۲۹ هـ ق ۱۲۸۹ هـ ش، ترجمه جعفر خمami زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲۷. طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶)، کتاب احمد، تهران: انتشارات شبگیر.
۲۸. طوسی، رضا (۱۳۶۹)، ارتش در ایران ۱۹۰۷-۱۸۸۰ م / ۱۲۸۶-۱۲۵۹ ش، ترجمه حسینعلی نودری، مجموعه مقالات تاریخ معاصر ایران (کتاب دوم)، چاپ اول، تهران: موسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی، ص ۹۳-۱۲.
۲۹. علم، مصطفی (۱۳۷۷)، نفت قدرت و اصول، ترجمه غلام‌حسین صالحیار، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپخش.
۳۰. غنی، سیروس (۱۳۸۰)، ایران برآمدن رضاخان: برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، چاپ سوم، تهران: انتشارات نیلوفر.
۳۱. فوران، جان (۱۳۹۴)، مقاومت شکنند (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۳۲. قاضی مرادی، حسن. (۱۳۸۰)، استبداد در ایران، چاپ دوم، تهران: نشر اختران.
۳۳. کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه فرشته سرلک، تهران: نشر گفتار.

۳۴. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۴)، *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
۳۵. کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۹۳)، *اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ بیستم، تهران: نشر مرکز
۳۶. کارشناس، مسعود (۱۳۸۲)، *نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، چاپ اول، تهران: نشر گام نو.
۳۷. کدی، نیکی (۱۳۹۲)، *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه تهران: نشر ققنوس.
۳۸. کرمانی، میرزا آقاخان (۱۳۴۳)، *هفتاد و دو ملت*، ترجمه میرزا محمدخان بهادر، برلین: شماره ۱۱ از انتشارات ایران‌شهر.
۳۹. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۶۱)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، با اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، (بخش دوم) تهران: انتشارات آگاه.
۴۰. کرونین، استفانی (۱۳۷۴)، *مخالفت با رضاخان در ارتش ایران*، ترجمه افسانه منفرد، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۹۱ و ۹۲، ص ۶۶-۷۱.
۴۱. کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۲. لمبتون، آن. (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، چاپ سوم، تهران: مرکز علمی و فرهنگی.
۴۳. ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، جلد اول، دوم و سوم، تهران: انتشارات سخن.
۴۴. میر سپاسی، علی. (۱۳۸۵)، *تأملی در مدرنیته ایرانی: بحثی درباره گفتمان روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران*. ترجمه جلال توکلیان، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
۴۵. *نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه*. (۱۳۷۰)، چاپ اول، تهران: واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۴۶. هاردینگ، سر آرتور (۱۳۶۳)، *خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ (وزیرمختار بریتانیا در دربار ایران)*، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۷. هانتینگتن، ساموئل (۱۳۸۶)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، تهران: نشر علم.
۴۸. هلد، دیوید (۱۳۹۴)، *شکل‌گیری دولت مدرن*، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.
۴۹. هلر، اگنش (۱۳۹۲)، *نظریه‌ای درباره مدرنیته*، ترجمه فاطمه صادقی، چاپ اول، تهران: نشر نگاه معاصر.
۵۰. ویر، ماکس. (۱۳۷۴)، *اقتصاد و جامعه*. ترجمه عباس منوچهری و نوذری، چاپ اول، تهران: انتشارات مولی.
۵۱. وحدت، فرزین (۱۳۹۳)، *رویاروی فکری ایران با مدرنیته*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه تهران: ققنوس.

## منابع انگلیسی

## BOOK

1. Arjomand, S. A. (2008). Islam and Constitutionalism since the Nineteenth Century: the Significance and Peculiarities of Iran. *Constitutional Politics in the Middle East*, 33-62.
2. Bashir, H. (2000). *The Iranian Press and Modernization under the Qajars* (Doctoral Dissertation, Mass Communication)
3. Bayat, M. (1991). *Iran's First Revolution: Shi'ism and the Constitutional Revolution of (1905-1909)*. Oxford University Press, USA.
4. Gheissari, A. (1998). *Iranian Intellectuals in the Twentieth Century*. University of Texas Press.
5. Rabi, U, & Ter-Oganov, N. (2012). The Military of Qajar Iran: The Features of an Irregular Army from the Eighteenth to the Early Twentieth Century. *Iranian Studies*, 45(3), 333-354.

---

<sup>i</sup>. از نوادگان فتحعلی شاه بود که در سال ۱۸۳۷ م/ ۱۲۵۳ ش به انگلستان سفر کرده بود.

<sup>ii</sup>. State

<sup>iii</sup>. Government

<sup>iv</sup>. State -Nation

<sup>v</sup>. نخستین روزنامه در دوره محمدشاه به وسیله میرزا صالح شیرازی به چاپ رسید. (اردکانی، ج ۱، ۱۳۷۰: ۲۲۲)